

مذاکرات کابل با طالبان در دستور کار قدرت های جهانی و منطقه یی

سفر هیئت عالیرتبه چین به کابل و ملاقات با اشرف غنی احمدزی رئیس جمهور جدید افغانستان، سفر سرتاج عزیز مشاور امور خارجی و امنیت ملی نخست وزیر پاکستان به کابل و همچنان سفر غیر مترقبه رجب طیب اردوغان به کابل، همه علایمی اند که تند شدن آهنگ تلاشهای جهانی و منطقه یی را برای آشتی بین حکومت کابل و طالبان نشان می دهند. سفیر کبیر بهادر کمار، دیپلمات پیشین و تحلیلگر اندیشمند و با صلاحیت مسائل جهانی، ضمن انتقاد از غفلت و کهنه اندیشی سیاست ناریندرا مودی نخست وزیر هند در قبال این تحول بزرگ منطقه یی، با دقت و مأل اندیشی همیشگی اش، نقاط عطف در این پروسه را مشروحاً تشخیص و نشانی نموده و سیر آن را در چشمرس قرار می دهد. اصل عنوان مقاله « هند راهش را در بازی بزرگ افغانستان گم کرده است» می باشد که برای جلب توجه خوانندگان به « مذاکرات کابل و طالبان در دستور کار قدرت های جهانی و منطقه یی» تغییر داده شده است.

نویسنده: بهادر کمار

منبع: اشیا تایمز آنلاین 19 اکتوبر 2014

مترجم: رسول رحیم

نواز شریف نخست وزیر پاکستان برای جلب رهبری جدید افغانستان، ابتکار بزرگی روی دست گرفته است و سرتاج عزیز مشاور امور خارجی و امنیتی اش را به حیث نماینده به کابل فرستاد. شریف مشتاق بازدید هرچه زودتر اشرف غنی از اسلام آباد است. یک هدف عمده ماموریت عزیز این خواهد بود تا به اظهارات قبلی غنی در مورد صلح با طالبان بپردازد. به عین ترتیب پاکستان با استفاده از این اقدام خواهد کوشید تا به دنبال سرکوب گروه پیکارجویانی که در وزیرستان پناه جسته بودند، تصویر خوبی از خود در سطح منطقه یی و بین المللی ارائه کند. واشنگتن از قاطعیت رهبری پاکستان دایر به پیگرد شبکه حقانی بسیار خرسند است. در واقعیت امر دستگیری دراماتیک انس حقانی توسط دستگاه استخبارات افغانستان حتماً می تواند تا حدودی نتیجه یک هماهنگی پیهم باشد که شامل جناح های پاکستان، ایالات متحده امریکا و افغانستان می گردد. شاید ما هرگز نتوانیم به آن پی ببریم. به هر تقدیر، دستگیری انس یک جو دلپذیر و یک طرح پنهانی برای مذاکرات با حنیف اتمر مشاور امنیت ملی جدید در کابل به وجود آورد. عامل سومی که عزیز در نظر خواهد داشت «اتحاد مجدد جنگجویان» است که در مرز بین افغانستان و پاکستان مستقر اند و خیال فریبایی نفرت انگیز "دولت اسلامی" افغان ها را مسحور می کند و یک دم موقعیت پاکستان را به مثابه خط جبهه ایالات متحده امریکا در محاسبات منطقه یی بلند می برد. بنابر این می توان مطمئن بود که واشنگتن به هر دلیلی از دیدار عزیز از کابل خشنود بوده است. اما ماموریت عزیز در واشنگتن در گام نخست از این بابت مورد قضاوت قرار می گیرد که از چه وزنه ای در گفتگو های آشتی برخوردار است که اکنون اولویت عمده اداره اوباما را تشکیل می دهد. یک افغانستان با ثبات به دنبال خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، میراثی است که رئیس جمهور اوباما 25 ماه پیش از پایان ریاست جمهوری اش خواهان آن می باشد. با اطمینان زیاد می توان گفت که ظهور ناگهانی روز شنبه رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه در کابل، باید همچون اشارتی به همین نکته در نظر گرفته شود (در 60 سال گذشته این نخستین بازدید یک رئیس جمهور ترکیه از افغانستان است). ترکیه چه ره آوردی می تواند داشته باشد؟ نخست اینکه، ترکیه یک فراهم سازنده مهم امنیت برای افغانستان است و برای آن آمادگی می گیرد که نقش اش را در ماموریت ناتو برای آموزش دادن نیروهای امنیتی افغانستان بازی کند. دوم اینکه، ترکیه در ساختار جدید قدرت در کابل که به شدت زیر نفوذ امریکا هست، یک "سرمایه ستراتژیک" یعنی رشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری را دارد.

سوم اینکه، ترکیه نخواهد گذاشت آن فرصت های تجارتي را از دست بدهد که امکان دارد به رويش گشوده شوند. بسيار مهم آن است که اردوغان تلاش خواهد نمود تا استانبول محل مذاکرات صلح با طالبان باشد. ترکیه تماس هایش را با طالبان نگهداشته است و نقش «تسهیل کننده»، انفره را در منشور راه حلی قرار خواهد داد که قرار است بر اصل بُرد- بُرد (یعنی همه طرف ها بُرد داشته باشند) تهیه شود.

البته اردوغان با شریف نیز نفوذش را شریک می سازد؛ نظامیان ترکیه با نظامیان پاکستان نزدیک اند. سرانجام اردوغان همچنان امیدوار است تا باز در حلقه اول دوستان ایالات متحده امریکا قرار گیرد. با وجود آنکه اخیراً پرخاش های پرسروصدایی در مورد طرز برخورد با "دولت اسلامی" در سوریه جریان دارد. ترکیه صاف و ساده احساس "باخت" را بدون به کار بستن آن امکاناتی در چشمرس قرار می دهد که متحدان غربی فراهم می سازند. در مقابل واشنگتن از همه امکاناتی استفاده خواهد نمود که اردوغان می تواند بر پاکستان اعمال نماید تا مشی های سیاسی اش را در مورد افغانستان تعدیل کند. البته، ایالات متحده امریکا چین را نیز همچون یاور خود می بیند و نتیجه سفر غنی به چین در 28 اکتوبر، که در حقیقت نخستین سفر وی به خارج به مثابه رئیس جمهور است، در واشنگتن با اشتیاق نگرینته می شود.

افغانستان (همراه با "دولت اسلامی"، ایران و کوریای شمالی و همچنان تغییر اقلیم) عناوین کلیدی را در مذاکرات یانگ جی چی نخست وزیر چین با جان کری وزیر خارجه ایالات متحده امریکا در اخیر هفته تشکیل می دادند. این مذاکرات برای آماده ساختن زمینه سفر رئیس جمهور اوباما به چین در ماه نومبر است.

یک مقام وزارت خارجه ایالات متحده امریکا در اخیر روز شنبه گفت که این مذاکرات به قصد آن صورت می گیرد که با رسیدن اوباما به چین «اطمینان حاصل شود که مناسبات ایالات متحده امریکا و چین به طور کامل و موثر عمل می کند». او این مذاکرات را «جامع و همچنان عمیق، پویا، آزاد و صریح» توصیف کرده و گفته است که کری با یانگ روی «اوضاع و نیازمندی های افغانستان، کشوری که برای هر دوی ما مهم است»، مذاکره نموده اند.

او افزوده است که: «افغانستان البته همسایه چین است و چین واضحاً سهمی در تلاش های آشتی جویانه جاری و ثبات دراز مدت (افغانستان) دارد. آن ها در مورد اوضاع سیاسی تبادل نظر کردند و این نکته را مورد بحث قرار دادند که چگونه هر کشور و به ویژه چین می تواند به حمایت از حکومت جدید افغانستان کمک کند» (تاکید روی کلمات از نویسنده است). بنابر معلومات من، این نخستین باری است که واشنگتن در گفتگوهای آشتی در افغانستان به چین همچون سهداری اشارت می کند. من این انکشاف را برای آن به طور مشرح ارزیابی کردم تا بگویم دهلی نیاز دارد که به طور محتاطانه به خاطر داشته باشد که از نگاه ایالات متحده امریکا، رفتار مخاصمت آمیز جدید حکومت ناریندرا مودی در برابر پاکستان بی فایده بوده و ناپایدار است.

این برخورد هندوستان را در هنگامی تجرید می کند که سیاست منطقه یی در سیلان است (و در عین زمان دوران گذار است). با توجه به این که نفوذ روسیه در حکومت غنی قابل چشم پوشی خواهد بود، در حالیکه از سوی دیگر داد و گرفت ایالات متحده امریکا و ایران بیشتر می شود و ایالات متحده امریکا چین را ترغیب می کند که در آن گفتگو های آشتی جویانه در افغانستان (که کابل، اسلام آباد و طالبان را در بر می گیرد) شریک، به اضافه حامی، به اضافه خیراندیش باشد.

نتیجه آن صدای ناهنجاری خواهد بود. به جای آنکه دستگاه تهویه را روی یک سیاست میرای آسیای مرکزی گذاشت که به طور سنگینی بر مخاصمت ایران و پاکستان مبتنی می باشد (و همواره چشم انداز های تردید آمیزی را پیشرو قرار می دهد)، هند باید به "تصویر بزرگ" عادی ساختن روابطش با پاکستان فکر کند. نشست "سارک" که در پیشرو قرار دارد، فرصتی را برای نخست وزیر مودی فراهم می آورد که در ماه می در قسمت شروع رفتارش با پاکستان تجدید نظر کند. بخش تاسف انگیز این است که به نظر می رسد هند خیال می کند می تواند با وجود همه چیزهای غیر دوستانه مانند حکومت "اتحاد ائتلاف ترقیخواهان" (درسال 2004 زیر رهبری حزب کانگرس تشکیل شده بود) با

ایران بوس و کنار کند. چنین کاری در آن موقع منافع حیاتی کشور را در هنگامی صدمه زد که زیر فشار بیرحمانه ایالات متحده امریکا در مورد مسأله اتومی، قرار داشت.

دریغا که کدام علامت تازه اندیشی در دهلی نیست. هرگاه مثالی از جهان موسیقی گرامافون بدهیم، هند می‌کوشد یک ریکارد کهنه و ساییده شده را که در هر دقیقه 78 بار دور می‌خورد و دیگر سرعت آن به 45 دور در دقیقه رسیده است، با سرعت "فلیکسی دیسک" به کار اندازد که روی آن نوشته شده است «ساخت چین».

زندگی آن طوری که ما فکر می‌کنیم آن قدر ساده نیست و مسلماً ایرانی‌ها نیز طفلک‌انی نیستند که با چوب دیپلوماسی بین‌المللی ناسنجیده به هر سو روی آورند. رهبری کنونی جانبدار غرب ایران بدون تردید هند را بازاری برای صادرات انرژی می‌پندارند. اما یک ایران که در حال ادغام شدن به بازارهای انرژی غرب است، آیا جداً علاقه مند آن می‌باشد که خود را در دام اشتیاق عتیقه و تاریخ زده نیم قاره هند بیاندازد که تیل و یا گازش را جنس در برابر جنس تبادل کند؟ مسلماً نه.

ایران یک تمدن قدیمی است و در کل احساس دیگری نسبت به سرنوشت دارد. این را جانفشانی تهران گواهی می‌دهد که سیاست‌هایش را در مورد افغانستان با تلاش‌های پر زحمت ایالات متحده امریکا برای روی کار آوردن غنی هماهنگ می‌سازد. باز هم، چرا ایران علاقمند "بازی بزرگ" هند در چاه بهار باشد، در حالی که امیدوار به چشم انداز شگرف ستراثری راه ابریشم بحری چین است؟ ما در دهلی با این خیالات افیونی می‌بازیم.